



صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

معاونت سیاسی

اداره پژوهش‌های سیاسی

نقش شهید بهشتی در تثبیت جمهوری اسلامی

خبری
معاونت سیاسی
صدا و سیما

فرآورده‌های خبری و تولیدات پژوهشی در بخش‌های زیر قابل دسترس است:

– وب سایت خبرگزاری صداوسیما (سرویس پژوهش) <http://www.iribnews.ir>

پژوهش خبری // دکتر مجیدی

1	■ نکات برجسته
2	■ مقدمه
3	■ تاثیر شهید بهشتی در تدوین قانون اساسی
4	■ تاثیر شهید بهشتی در بنیانگذاری نظام قضایی اسلامی
5	■. تاثیر شهید بهشتی در تعیین و ترویج گفتمان انقلاب اسلامی
6	■ تاثیر شهید بهشتی در پایه گذاری حزب جمهوری اسلامی
7	■ ویژگی حزب مطلوب
9	■ تاثیرات شخصیت شهید بهشتی در ارائه الگوی دولتمرد تراز انقلاب اسلامی
10	■ شهید بهشتی و الگوی سیاست خارجی انقلاب اسلامی
12	■ شهید بهشتی و اقتصاد مقاومتی
13	■ نتیجه گیری

■ نکات برجسته:

بازخوانی تاریخ انقلاب اسلامی گویای سهم و نقش بالای شهید بهشتی در تثبیت و تحکیم پایه‌های انقلاب و جمهوری اسلامی بود هدفی که ایشان جان خویش را نیز فدای آن کرد. سازماندهی و هدایت راهپیمایی‌ها در سال‌های 56 و 57 همراه با مرحوم طالقانی و شهید مطهری، تدوین و طراحی بخش‌هایی از مبانی فکری انقلاب اسلامی و قانون اساسی، نخبه سازی و نیروپروری که ایشان از قبل از انقلاب اسلامی با تأسیس مدرسه دین و دانش در قم آن را آغاز کرده بود؛ بازسازی دستگاه قضایی برای حرکت در مسیر انقلاب اسلامی، مواجهه شجاعانه با جریان لیبرالی و مارکسیستی که در ائتلافی شوم در صدد براندازی انقلاب بودند و نخست سراغ شهید بهشتی رفتند؛ تبیین و تشریح مبانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی و اقتصاد اسلامی بخشی از ابعاد تاثیرگذاری شخصیتی است که بسیاری از اوصاف نخبه سیاسی تراز انقلاب اسلامی را دارا بود.

انقلاب اسلامی را می‌توان از منظر وجود نخبگان و ایدئولوگ‌هایی در قد و قواره رهبری یک نهضت و جریان انقلابی در تاریخ معاصر منحصر به فرد دانست. فروغ و تلالو چهره تابناک امام خمینی رحمت‌ا... علیه به گونه‌ای بوده است که امکان دیده شدن و توجه به نقش و منزلت دیگر رهبران و کارگردانان انقلاب اسلامی را دشوار کرده است. از جمله چهره‌های تابناک و پرفروغی که بسیاری از ویژگی‌های رهبری نهضت و نظام سازی بعد از سرنگونی رژیم پهلوی را داشت شهید بهشتی بود که به تعبیر امام راحل خود به تنهایی یک ملت بود. نگاهی به تجربه ناکام جنبش‌های سالیان اخیر جهان اسلام که به بیداری اسلامی شهره شد نشان می‌دهد که نبود رهبری طراح، روشن بین، زمان شناس و متفکر و شجاع و قاطع که هدایت و جهت دهی جنبش را برعهده گیرد علل ناکامی بسیاری از این نهضت‌ها بوده است. درحالی که در تاریخ انقلاب اسلامی بزرگانی چون شهید مطهری، مرحوم طالقانی، شهید بهشتی و حتی شهید صدر در عراق از ظرفیت‌های بزرگی برای رهبری نهضت برخوردار بودند. شهید دکتر سید محمد حسینی بهشتی را باید از برجسته‌ترین چهره‌های بزرگ سیاسی و فکری تاریخ معاصر ایران و اسلام به شمار آورد، چراکه او سال‌ها استراتژیست و طراح بزرگ انقلاب اسلامی ایران بوده و در سایه رهبر کبیر انقلاب به تدوین آثار و افکاری برای جهت دهی به افکار انقلابیون همت گماشته است. شهید بهشتی با تاسیس حزب جمهوری اسلامی سهم بالایی در سازماندهی و مدیریت نابسامانی‌های پساانقلابی داشت نطق تاریخی شهید بهشتی در مجلس خبرگان قانون اساسی در دفاع از اصل ولایت فقیه تأثیر بسیاری در تصویب اصل 5 قانون اساسی داشت. شهید بهشتی برای اسلامی کردن دستگاه قضا نیز تلاش‌های فراوانی کرد. اگرچه از صلاحیت‌ها و لیاقت‌های فراوانی برای ریاست جمهوری برخوردار بود اما نامزد انتخابات ریاست جمهوری نشد. شهید بهشتی از نظر تفکر و اندیشه از جمله شبیه‌ترین افراد به دیدگاه امام راحل بود به طوری که دشمنان امام و خط انقلاب با شناخت این موقعیت فوق العاده درصدد حذف فیزیکی وی برآمدند و با انفجاری تروریستی در دفتر حزب جمهوری اسلامی یکی از بزرگ‌ترین کارگردانان صحنه انقلاب را به شهادت رساندند. فاجعه هفتم تیر به خاطر حضور 4 وزیر، 12 معاون وزیر و 27 نماینده مجلس بی‌بدیل بوده که به دست منافقین ترور می‌شوند. بعد از این ترور، جریان انقلاب پُر قدرت‌تر ادامه پیدا می‌کند.¹

بازشناسی اندیشه و شخصیت این شهید والامقام به خصوص برای نسل جوان از جمله ضرورت‌های حال حاضر نظام اسلامی و فضای فکری جامعه ماست. نوشتار حاضر با هدف شناخت ابعاد تأثیرگذاری شهید بهشتی در تثبیت انقلاب اسلامی به نقش سید شهیدان انقلاب اسلامی در تدوین و نهایی شدن قانون اساسی، معماری دستگاه قضا؛ تاسیس

¹ <https://sarcheshmeh.org/news/ID/1022/>

حزب جمهوری اسلامی، ترویج گفتمان انقلاب اسلامی و مبارزه و معارضة با جریان‌های انحرافی و مخالف با خط و مکتب امام و نیز مشخص شدن مبانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد.

■ تأثیر شهید بهشتی در تدوین قانون اساسی

قانون اساسی سند مهم سیاسی و حقوقی هر جامعه‌ای است که در آن مبنای حاکمیت و صلاحیت زمامداران تعیین و حقوق اساسی تبیین می‌گردد. از این رو در تدوین قانون اساسی محورهای اساسی حاکمیت ملت، حاکمیت قانون و حقوق و آزادی‌های مردم ملاک عمل قرار می‌گیرد. قانون اساسی یک کشور نشان دهنده آمل، آرزوها، اهداف و خواسته‌های یک مملکت برای خود و نسل آینده می‌باشد در واقع، مهم‌ترین رخدادهای حقوقی-سیاسی بعد از انقلاب 57 تدوین قانون اساسی بوده است در جریان تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، شهید بهشتی یکی از موثرترین چهره‌های درخشان تأثیرگذار در روند تصویب قانون اساسی است. در مجلس خبرگان بررسی قانون اساسی، که با بیش از 60 جلسه بحث و گفتگو در مورد مسائل اساسی مملکت صورت گرفته بود، شهید بهشتی به عنوان نائب رئیس، مدیریت جلسات را به عهده داشت. علاوه بر ریاست، ایشان به عنوان یک نظریه‌پرداز نقشی کلیدی در این جلسات ایفا می‌کرد. به طوری که بسیاری از مطالب و موضوع‌های پرداخته شده در قانون اساسی، مستقیم و غیر مستقیم متأثر از دیدگاه‌ها و نظرات وی می‌باشد. به عبارت دیگر آنچه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران درباره ولایت فقیه، آزادی، آراء عمومی و ... قید شده است، تأثیرپذیری قابل توجه‌ای از نظریات شهید بهشتی داشته است. او با نفوذ خاصی که بر بقیه افراد داشتند، توانستند با منطق و اصول خود دیگران را متقاعد کنند تا اصولی مانند ولایت فقیه در قانون گنجانده شود.¹

اصول ناظر به نوع حکومت، ولایت فقیه، شوراها، فصل سوم قانون اساسی (حقوق ملت)، حاکمیت ملی و وظایف و اختیارات قوای سه گانه به طور مسقیم و غیر مستقیم متأثر از تفکرات و اندیشه‌های نشأت گرفته از فقه اسلامی و تفکر شیعی ایشان بوده است. شکل حکومت مورد نظر دکتر بهشتی حکومت اسلامی نبود بلکه جمهوری اسلامی بود جمهوری از آن جهت که حکومت متکی به آراء مردم است. نظام سیاسی مطلوب وی در دوران غیبت امام معصوم(ع)، نظام امت و امامت است. نظامی که مکتبی بودن و اختیاری بودن از مهم‌ترین ویژگی‌های آن محسوب می‌شود و در رأس آن فقیه جامع الشرایط قرار می‌گیرد.²

¹ - محمدعلی نظری، بررسی نقش شهید بهشتی در تدوین قانون اساسی سال 1358، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه یزد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی. 1391.

² - آیت ا... جلیلی مراد بررسی تأثیر اندیشه حکومت داری شهید بهشتی بر تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی. 1392.

■ تأثیر شهید بهشتی در بنیانگذاری نظام قضایی اسلامی

شهید بهشتی نخستین رئیس دستگاه قضا در جمهوری اسلامی است که با وجود کوتاهی دوران مسئولیت ایشان عنوان معمار قوه قضاییه جمهوری اسلامی را برای ایشان در پی آورده است.

شاید بتوان گفت تصویب اصول مربوط به قضای اسلامی در قانون اساسی گام نخست نقش آفرینی ایشان در مقامی بود که تصدی آن را در مجموعه مسئولیت‌های جمهوری اسلامی پذیرا شدند به جز اسلامی کردن قوانین و جاری کردن شریعت اسلامی با مصوبات شورای انقلاب شاید بتوان تاسیس دانشکده علوم قضایی که بعدها به دانشگاه ارتقا یافت را از جمله تصمیمات تاسیسی و یادگارهای دوران ریاست شهید بهشتی بر قوه قضاییه دانست. در همین راستا شهید بهشتی در رأس قوه ای مهم قرار گرفته بودند که به شدت با کمبود قاضی مواجه بود لذا اولی ترین اقدام در آن زمان تربیت و جذب افراد مومن و متعهد برای پرکردن این خلأ بود و تدبیر او این چالش را با تأسیس دانشکده‌ای به بهترین نحو و تا سرحد امکان حل نمود و این دانشکده زیربنایی برای قوه تازه مستقل شده قضاییه شد. در شرایط خاص اول انقلاب مدبری می‌باید که چنین دستوری را برای راه اندازی چنین مرجعی صادر نماید و این تدبیر جز از دانشمند و مدیری مدبر و حازم چون شهید بهشتی بر نمی‌آید چرا که شرایط زمان اقتضای راه اندازی دانشکده ای که در آینده نیروهای خود را به دستگاه قضایی بفرستد، نداشت. از این‌روست که شهید بهشتی (رضوان الله تعالی علیه) معمار قوه قضاییه شناخته می‌شود چون موجبات راه اندازی مرجعی برای تربیت نیروی متعهد و متخصص در قوه قضاییه فراهم می‌آورد و این نهاد همچنان پابرجاست. از ابتدا که این دانشکده تاسیس شد تنها دانشکده‌ای برای تربیت قضات بود و به مرور زمان و با تخصصی شدن رشته‌ها گسترش پیدا کرد در نتیجه تخصصی شدن رشته‌های حقوقی این ضرورت را ایجاب کرد که این دانشکده از سال ۱۳۸۹ به دانشگاه ارتقا پیدا کند. مهمترین دستاورد دانشگاه علوم قضایی در بیش از سه دهه فعالیت تأمین بخش قابل توجهی از کادر قضایی قوه قضائیه است.¹ به جز دانشکده قضایی ایجاد پلیس قضایی از دیگر رویکردهای شهید بهشتی بود و با این دیدگاه به‌عنوان بازوی قوه قضاییه اقدام به تشکیل پلیس قضایی کرد و معتقد بود اگر دستگاه قضایی پلیس متخصص نداشته باشد و نتواند پرونده‌ها را به‌طور حرفه‌ای و دقیق تنظیم کند طبعاً در کاهش زمان رسیدگی پرونده‌ها و اخذ نتیجه کیفی مطابق وجود زیربنای اصولی در دادگاه‌ها و دادرها مؤثر بود و به عبارتی تشکیل پلیس قضایی از ابداعات شهید بهشتی بود و بعدها با ادغام نیروهای انتظامی در یکدیگر همچون بخش‌های شهربانی و کمیته‌ها طبعاً پلیس قضایی منحل شد و در حال حاضر چنین مجموعه‌ای وجود ندارد.²

¹ <https://www.fardanews.com/fa/news/426971/>

² <https://www.farsnews.com/news/13950407000383>

■. تأثیر شهید بهشتی در تعیین و ترویج گفتمان انقلاب اسلامی

شهید بهشتی متفکری نواندیش و مجتهدی توانا بود. سخنرانی‌ها و کتاب‌های ایشان که متأسفانه نسل امروز کمتر از آنها آگاهی دارد¹ در برگیرنده پاسخ‌های علمی و روزآمد به برخی پرسش‌های نسل امروز درباره اسلام سیاسی و نیازهای عصر حاضر حکومت دینی است. شهید بهشتی که تحصیلات دانشگاهی و حوزوی را تا سطوح بالا دنبال کرد از نمادهای پیوند حوزه و دانشگاه است. آشنایی ایشان با زبان و بیان و روحیات دانشگاهیان و تجربه تبلیغ دینی در مرکز اسلامی هامبورگ آلمان، شهید بهشتی را به متفکری زمان شناس و آگاه به دنیای امروز تبدیل کرده بود. مواجهه با موج پرسش‌ها و مطالبات نسل جوان و حتی متفکران غربی و آلمانی درباره اسلام و تشیع و وسعت علمی و پاسخ‌های قانع کننده ایشان، شهید بهشتی را به یکی از مروجان اصلی گفتمان انقلاب و جمهوری اسلامی تبدیل کرد. اساساً انتخاب و نهایی شدن جمهوری اسلامی به مثابه نوع حکومت مطلوب انقلاب اسلامی پس از سرنگونی رژیم پهلوی؛ حاصل گفتگوها و رایزنی‌های شهید بهشتی و شهید مطهری با امام راحل در پاریس بود. جمهوریت و اسلامیت نظام در دیدگاه شهید بهشتی دو رکن اساسی بود نطق تاریخی ایشان در دفاع از اصل ولایت فقیه در مجلس خبرگان قانون اساسی و اهتمام ایشان به رای مردم، جایگاه شورا و نیز تحزب و تکثرگرایی از مصادیق عملی اهتمام و تعهد ایشان به همه ابعاد جمهوریت و اسلامیت بدون کم و کاستی بود. به طور مثال دقت و توجه ایشان به نهاد شورا قابل توجه بود.

شورا به عنوان یکی از اساسی‌ترین اصول نظام سیاسی اسلام، در آیات قرآن، احادیث معصومین و روایات مختلف اسلامی مورد تأکید قرار گرفته و بسیاری از اندیشمندان اسلامی از جمله آیت‌الله طالقانی و آیت‌الله بهشتی نیز بر آن سفارش نموده و دیدگاه‌هایی در این خصوص ابراز کرده اند. این دو اندیشمند با باور به اندیشه شورایی و اداره بخش‌هایی از کشور با نگرش شورایی نسبت به تبیین موضوع و تدوین اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نظام شورایی اهتمام جدی ورزیده اند؛ به‌طوری‌که می‌توان گفت، اندیشه‌های ایشان در این باره تأثیر بسزایی در قانون اساسی و اداره امور کشور داشته است. در این میان با توجه به درگذشت آیت‌الله طالقانی در آغاز مجلس خبرگان، تأثیر دیدگاه‌های دکتر بهشتی بسیار بیشتر و وسیع‌تر از تأثیر دیدگاه‌های ایشان بوده است؛ به‌طوری‌که در بخش اعظمی از اصول قانون اساسی سال 1358 اندیشه‌های دکتر بهشتی تجلی یافته است که تدوین و تصویب اصولی پیرامون شوراهای محلی، شورای رهبری، مجلس شورای ملی، شورای نگهبان، شورای عالی قضائی و شورای عالی دفاع، دلایلی بر اثبات این مدعا می‌باشد.²

¹ برای آگاهی و آشنایی با کتابها و دسترسی به متن کامل آثار شهید بهشتی رجوع کنید به :

<http://cafehoghough.com/827>

² - سارا بهبهانی مندی‌زاده، مطالعه تطبیقی اندیشه‌های آیت‌الله طالقانی و شهید بهشتی در ارتباط با شورا و نقش آن در اداره مملکت، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، 1390

■ تأثیر شهید بهشتی در پایه گذاری حزب جمهوری اسلامی

از جمله ویژگی‌های بارز ابعاد نبوغ شهید بهشتی کار تشکیلاتی و سازماندهی سیاسی بود. تأسیس حزب برای سازماندهی نیروهای معتقد به خط امام شاید از جمله اقدامات اساسی برای جلوگیری از انحراف نهضت و مدیریت دوران گذار انقلاب و جمهوری اسلامی بود. تشکیل جامعه روحانیت مبارز نخستین گام برای سازماندهی و ایجاد تشکیلات برای هدایت انقلاب بود اما وجود برخی اختلافات میان روحانیان برای تبدیل آن به حزب به دلیل مخالفت امام و برخی روحانیان با اصل دخالت مستقیم در اداره نظام سیاسی پس از انقلاب از یکسو و مخالفت یا عدم همراهی برخی چهره‌های سرشناس روحانیت مبارز با تحزب (مانند همراهی نکردن شهید مطهری) موجب شد که برخی از سران جامعه روحانیت که به کار تشکیلاتی برای هدایت نیروهای انقلاب معتقد بودند و تشکل فراگیر را که اقشار دیگر جامعه را هم در بر بگیرد مدنظر داشتند به فکر تأسیس حزب جمهوری اسلامی بیفتند که بعد از موافقت امام حزب جمهوری اسلامی که عملاً اساسنامه و برخی مقدمات تشکیل آن مهیا شده بود، تأسیس شود. شهید بهشتی در این باره می‌گوید: اول اسفند در حدود 7 یا 8 روز پس از پیروزی حزب را اعلام کردیم. (آیت‌الله...) خامنه‌ای، آقای هاشمی رفسنجانی، آقای باهنر و آقای موسوی اردبیلی. آقای موسوی (اردبیلی) در کارهای علمی بیشتر با ما همکاری داشتند. به آقای مهدوی کنی هم گفته بودیم ایشان علاقه نشان نداده بودند به این دلیل ما 5 نفر آمدیم و اعلام کردیم و گفتیم ما موجودیت حزب را صریحاً اعلام می‌کنیم. ۱۰ ائتلاف حزب جمهوری اسلامی و جامعه مدرسین که بنا به توصیه امام به شهید بهشتی اولین دبیرکل حزب جمهوری اسلامی شکل یافته بود ۲ توانست اکثریت را در انتخابات مجلس خبرگان به‌دست آورد و عملاً شهید بهشتی چهره برجسته و بعداً اداره کننده مجلس خبرگان قانون اساسی شد. بی سبب نبود که شهید بهشتی در دفتر حزب جمهوری اسلامی هدف ترور کور دشمنان انقلاب اسلامی و منافقین کوردل قرار گرفت. در ادامه برخی از رؤس دیدگاه‌های شهید بهشتی درباره حزب مرور می‌شود:

- کار در تشکیلات حزب باید آهنگ عبادت داشته باشد.
- باید دفاتر حزب محل عبادت باشد و محل عبادت بماند.
- تشکیلات باید به درد مردم بخورد، نه اینکه باری باشد بر دوش جامعه.
- گروه‌ها باید قانون اساسی ایران را زمینه اصلی حرکت و همکاری و هماهنگی خود قرار دهند.

¹ - بهشتی سید محمد حسین 1378، تحزب از دیدگاه شهید بهشتی، مصاحبه‌های شهید بهشتی در عروه الوثقی در احزاب سیاسی ایران، ویژه نامه نیاز، نشریه بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران، قم، ص 254

² - (بهشتی 1378، همان، ص 259).

- تشکل [یا حزب] باید پاسدار ارزش‌ها باشد، نه پاسدار خود. نگهبان ارزش‌ها باشد. نه نگهبان خود. هر وقت این تشکل به جای آنکه نگهبان ارزش‌ها باشد و تلاش‌گر در راه ارزش‌ها باشد، به جای آنکه خداپرست و حق‌پرست و حق‌خواه، کمال‌دوست و کمال‌خواه باشد، خودخواه شد، طاغوت می‌شود و چه بهتر که چنین طاغوتی بر سر راه امت نباشد.

- تشکیلات باید بر اساس صداقت باشد و نه ریا و تظاهر و مردم‌فریبی که از بدترین آفت‌های اجتماعی است.
- تشکیلات باید بکوشد تا انسان‌ها را هم‌سو کند، نه اینکه انسان را قالبی بسازد.
- حزب به معنی تشکیلات اسلامی، اجتماعی، سیاسی فعال [است] که درصدد به هم نزدیک کردن استعدادها، سامان‌دهی و سازمان‌دهی به آنها و تقویت پیوند میان آنها است...

- تشکل حق، تشکلی است که انحصارطلب نیست؛ یعنی این منطق خودپرستانه و ضدخداپرستی را ندارد که هرکس [در] این تشکیلات هست، آدم خوبی است و هرکس نیست، آدم خوبی نیست.
- هر نوع رقابت رشک‌آمیز میان گروه‌ها را گناه می‌دانیم و این از نظر ما همان تنگ‌نظری و خودپرستی است.
- حزب و تشکل، وسیله‌ای است برای بهتر انجام دادن مسئولیت‌ها و وسیله‌ای است برای خودسازی. آدم‌های منفرد، غالباً با خصلت تک‌رویی بار می‌آیند و از مجموعه تک‌روها به زحمت می‌شود که یک مجموعه فعال ساخت. رشد اخلاقی دسته جمعی، یکی از ارزش‌های تشکیلات است.¹

■ ویژگی حزب مطلوب^۲

از نظر شهید بهشتی حزب به معنی تشکیلات اسلامی، اجتماعی، سیاسی است که درصدد به هم نزدیک کردن استعدادها و سامان‌دهی و سازمان‌دهی به آنها و تقویت پیوند میان آنها باشد. [احزاب یا] تشکیلات، مجموعه‌ای از افراد هستند که بر اساس آرمان، ایمان و دیدگاه مشترک گرد هم می‌آیند تا جماعت شوند: «يَدَّالِلَهُ مَعَ الْجَمَاعَةِ». تا بتوانند زمینه را برای رشد اخلاق، کار دسته جمعی و رشد استعدادها و شناخت کادرها و تربیت آنها و تهیه برنامه و پذیرش مسئولیت اجرای برنامه‌ها هموارتر کنند.

حزب از ضرورت‌های زمان است. به شرط اینکه یکی از اصول پذیرفته‌شده این تشکیلات این باشد. متشکل می‌شویم تا پاسدار ارزش‌ها باشیم و نه شخص‌ها و فردها. وقتی عده‌ای دور هم جمع می‌شوند، اگرچه به نام اسلام، ولی موضوعی را برای خود بخواهند، هرگز مطلوب نیست ... اگر حزب به یک چنین معنایی باشد، وظیفه من و شما و همه

¹ - سیدمحمد حسینی بهشتی، ارزش تشکل برای دانشجو، واحد دانشجویی حزب جمهوری اسلامی، صص 5 و 6

² <http://pajuhesh.irc.ir/product/book/show.text/id/1122/order/60>

این است که حزبی نباشیم، ولی اگر این مجموعه متعهد می‌شود که در خدمت ارزش‌ها و در خدمت خلق خدا بر اساس این ارزش‌ها باشد، بسیار ارزشمند است...

شهید بهشتی اعتقاد داشت که «حزب معبد است». ایشان در واقع در روزهای آخر حیاتشان در جلسه‌ای که در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی برگزار می‌شود گله می‌کنند مبنی بر اینکه «دوستان! قرار بود حزب برای ما معبد باشد. این اختلاف نظرها و کشمکش‌ها یا رفتاری که برخی اعضای حزب انجام می‌دهند چیزهایی نیست که ما دنبال آن بودیم.¹

تشکیلات معنایش این است که هر کسی در جای خودش قرار بگیرد، کار خودش را انجام بدهد. این می‌شود تشکیلات، ولی به هر حال در خدمت خلق خدا، در خدمت خودمان و در جهت احترام به ارزش‌های اسلامی، نه این که بگوییم فقط این ارزش‌ها در وجود ماست و در دیگران نیست و هر جا ارزشی باشد، آن را انکار کنیم. انحصارطلب واقعی همان است که می‌گوید تمام ارزش‌ها در من است و بیرون [از] من، اصلاً ارزشی وجود ندارد. تجسم خودخواهی و خودپرستی [است]. خودخواهی مجسم [است] که ضد خداخواهی است. خودپرستی عینیت‌یافته‌ای است که ضد خداپرستی است.

تشکل حق، تشکلی است که انحصارطلب نیست؛ یعنی این منطق خودپرستانه و ضدخداپرستی را ندارد که هر کس [در] این تشکیلات هست، آدم خوبی است و هر کس [در] این تشکیلات نیست، آدم خوبی نیست. این تفکر، شیطانی است و نه رحمانی و نه یزدانی. تشکل خوب و سالم، تشکلی است که یک نظام ارزشی را روشن و صریح مطرح می‌کند. می‌گوید ما پاسدار این نظام ارزشی هستیم. هر کس این ارزش‌ها را ندارد، مورد انتقاد ماست؛ خواه عضو تشکیلات ما باشد، خواه نباشد.

یکی از این ارزش‌ها تشکل است؛ یعنی افرادی که از جهت‌های دیگر خوبند، ولی منفردند، عادت به کار دسته‌جمعی ندارند، نسبت به افرادی که منفرد نیستند و دسته‌جمعی کار می‌کنند، یک امتیاز کمتر دارند، ولی فقط یک امتیاز، نه همه امتیازها. ما در موقع انتخاب نخست وزیر گفتیم، شورای مرکزی موقت حزب جمهوری اسلامی در معرض امتحان است، ببینیم چه کار می‌کند؟ در یک جلسه طولانی درباره اشخاص، بحث‌هایمان را کردیم، گفتیم رأی مخفی می‌گیریم و هر کس سه نفر را انتخاب کند. نفر اول، نفر دوم و سوم، به ترتیب هر کدام سه امتیاز، دو امتیاز و یک امتیاز دارند. وقتی آرای مخفی را جمع‌آوری کردند، برادرمان رجایی که عضو حزب نیست، 40 امتیاز آورد و برادر

بعدی که عضو حزب بود، 25 امتیاز آورد. بنده به سهم خودم خوشحال شدم. گفتیم: شورا از امتحان روسفید بیرون

¹<http://tarikhirani.ir/Modules/News/Phhtml/News.PrintVersion.Html.php?Lang=fa&TypeId=4&NewsId=4500>

آمد و معلوم شد در رأی دادن به چه می‌اندیشد. درست است که اگر کسی عضو حزب باشد، یک ارزش است، ولی فقط یک ارزش است و این ارزش، جانشین همه ارزش‌ها نمی‌شود.

[چنین تشکلهایی] اگر یکی باشند که چه خوب [و] اگر دو، سه، ده تا هم باشند، با هم برادرند و هیچ‌وقت با همدیگر ضد نمی‌شوند. به همین سبب است که ما در مواضعی که در رابطه با گروه‌ها اعلام کرده‌ایم،... گفته‌ایم که رابطه حزب جمهوری اسلامی با گروه‌های معتقد به خط امام که از نظر ارزشی با ما یک‌جور فکر می‌کنند، خوب است، ولی یک تشکیلات دیگرند. رابطه، برادرانه است و هر نوع رقابت رشک‌آمیز میان این گروه‌ها را گناه می‌دانیم و این از نظر ما همان تنگ‌نظری و خودپرستی است. این است که ما برای تشکل سالم، یک نشانی گویا پیدا کرده‌ایم و روی این نشانی هم سخت ایستاده‌ایم و می‌ایستیم و کل تشکل و اعضای تشکل را با همین نشانی محک می‌زنیم. این سنگ محک خوبی است.

مرحوم شهید بهشتی می‌گفت بالاخره ما اختلاف سلیقه داریم و اختلاف سلیق را نمی‌شود از بین برد، ضمن اینکه اگر حزب را تشکیل ندادیم بدیل آن شکل‌گیری «باند‌های قدرت» است که نه پاسخگو هستند و نه مواضع اعلام شده دارند و به هیچ‌وجه قابل کنترل نیستند، در حالی که حزب این‌طور نیست؛ زیرا برنامه‌های حزب، رئیس تشکیلات و مسئولان آن مشخص هستند و می‌توان آن‌ها را بازخواست کرد. بنابراین بدیل حزب، حاکمیت باند‌های قدرت است. لذا شهید بهشتی در مجموع بر شکل‌گیری احزاب مختلف نه فقط برای مسلمانان بلکه برای افرادی که به مکاتب دیگر اعتقاد دارند تاکید دارد تا آن‌ها بتوانند به عنوان شهروند به رقابت سیاسی بپردازند.¹

■ تأثیرات شخصیت شهید بهشتی در ارائه الگوی دولتمرد تراز انقلاب اسلامی

شهید بهشتی را می‌توان از جمله شخصیت‌های الگو و تراز در جمهوری اسلامی دانست اگرچه این چهره بی‌نظیر انقلاب اسلامی خیلی زود هدف کینه منافقین قرار گرفت و بعد از اتهامات ناروا و ترور شخصیت ایشان جسم ایشان نیز هدف ترور منافقین ضد خلق قرار گرفت اما می‌توان گفت پیوند دین و دانش، اجتهاد و دانش روز و آگاهی به زمانه، تقید، شجاعت، نظم و انضباط دقیق، مردم‌گرایی و اهتمام به کار و تلاش و مسئولیت‌های بزرگ کشوری و در عین حال توجه به خانواده از ایشان الگویی بی‌نظیر ساخت.

از جمله نقاط مورد توجه در سپردن امور به افراد در نگاه شهید بهشتی شایسته‌سالاری است شهید بهشتی می‌گوید: بنده خودم در دایره مدیریتم، اگر کسی بینش اسلامی‌اش صحیح باشد، تقوا و اخلاقش صحیح باشد، ولی نسبت به خود من به هر علتی بی‌لطف و بی‌مهر باشد و حتی پشت سر من بدگویی هم بکند، او را به کار دعوت می‌کنم. این کار را کرده‌ام؛ چون قرار نیست که بنده میزان حق و باطل باشم. بعضی‌ها را دیده‌ام که آدم‌های خوبی هستند، مسلمان معتقد، با اعتقاد و بینش اسلامی صحیح، باتقوا و مقید [هستند]، ولی به دلیلی از بنده

¹<http://tarikhirani.ir/Modules/News/Phtml/News.PrintVersion.Html.php?Lang=fa&TypeId=4&NewsId=4500>

خوششان نمی‌آید. کارهای حساس را به آنها سپردم. بعد هم با من دوست شدند؛ چون از نزدیک تجربه کردند که شایعاتی که شنیده بودند، دروغ بود. تازه اگر بعد هم مهربان نمی‌شدند، مهم نبود. بنابراین، گرایش‌های شخصی، گرایش‌های حزبی، گرایش‌های تشکیلاتی، هیچ مطرح نیست. اگر این‌ها جای آن معیارهای اصلی را بگیرد، باز هم انحراف است و باز هم جامعه را رو به سقوط می‌برد.

■ شهید بهشتی و الگوی سیاست خارجی انقلاب اسلامی

شهید بهشتی را یکی از تئوریسین‌های اصلی انقلاب اسلامی می‌نامند. از این‌رو، یکی از مباحث و موضوعات مطرح در آرمان و اندیشه‌های انقلاب اسلامی بحث ضد استکباری و ضد استعماری بودن آن است. به گونه‌ای که شعار استکبارستیزی به خصوص علیه هیئت حاکمه‌های از 40 سال گذشته ایالات متحده آمریکا در رأس اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی به ویژه رهبران این انقلاب بوده و هست

– لزوم صدور انقلاب اسلامی

به باور شهید بهشتی اسلام برای مسلمانان مرز نمی‌شناسد. در خصلت انقلاب اسلامی، جهانی بودن نهفته است؛ یعنی اگر در یک شهر، در یک قلعه، در یک روستا، یک انقلاب اسلامی، پیروز بشود، از همان جا می‌گوید من باید به همه جای دنیا بروم. آیا [این] به این معنی [است] که انقلاب اسلامی، سلطه‌طلب است و می‌خواهد برای انقلاب‌کنندگان، امپراتوری قدرت به وجود بیاورد؟ هرگز. انقلاب اسلامی به این معنی گرایش جهانی ندارد. انسان مسلمان از آن لحظه‌ای که به اسلام ایمان می‌آورد، برایش اسلام، دین آزاد کردن خود و دیگران است. اسلام، دینی نیست که بگوید من مسلمان هستم و خودم را می‌خواهم آزاد کنم و در پی سعادت خودم هستم. اسلام، دین خودمحوری، خودبینی، خودطلبی، خودخواهی و خودجویی نیست. اسلام، دین خداجویی است، خدای همه جهانیان، خصلت اسلامی یک فرد مسلمان. طبیعت مسلمانی یک آدم مسلمان، این‌گونه ایجاب می‌کند که بگوید آرمان من سعادت جهانیان است. هدف من، رفاه، سلامت، خوش‌بختی، آزادی، عدل، صفا، دوستی، معنویت، کمال و کمال‌یابی، همه انسان‌هاست. این است که در قانون اساسی نوشته شده است، جمهوری اسلامی ایران به سعادت همه انسان‌ها می‌اندیشد. انقلاب اسلامی ایران می‌تواند بگوید، [در مرزهای خودمان به مردم خودمان خدمت می‌کنیم و به] آن سوی مرزها کاری نداریم، نه! البته که نمی‌شود. بنابراین، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر مبنای منزوی شدن و در لاک خود فرو رفتن نمی‌تواند باشد. سیاست ما باید به گونه‌ای باشد که بدانیم آن سوی مرزها، چه باید کرد و با مردم آن سوی مرزها، چگونه روابطی باید داشت.

صرف نظر از هویت، خصلت و طبیعت اسلامی انقلاب، اصولاً هر انقلابی که تنها به درون مرزهایش پرداخته و توجهی به خارج از حدود خود نداشته باشد، دشمن، آسوده‌اش نمی‌گذارد. شما اگر به همه مقدسات، اعم از قرآن، تورات،

انجیل و... هم سوگند یاد کنید که ما فقط می‌خواهیم به کار خودمان مشغول باشیم، این جهان‌خواران پر طمع، در ظاهر می‌گویند، قبول کردیم، ولی از صدها مجرای نامرئی می‌آیند تا شما را در درون مرزهایتان درهم بکوبند. این یک اصل است در مبارزه که باید به آن توجه کنید. اگر شما با دشمنان انقلاب‌تان در آن سوی مرزها نجنگید، دشمن، مرزهای شما را همواره کوچک‌تر و محدودتر می‌کند. به همین سبب، انقلابیون ایران دو کار را با هم انجام می‌دهند:

1) بر حسب مسئولیت جهانی می‌کوشند تا انسان‌های به بند کشیده شده آن سوی مرزهای ایران را به حرکت

درآوردند و به آنها کمک کنند تا حکومت‌ها و ارتش‌های اشغالگر بیگانه‌ای را که بر سرزمین‌هایشان مسلط شده‌اند، از پای درآورند و سرزمین و ملت و جامعه‌شان را آزاد کنند.

2) با تمام قوا در مرزهایشان حضور دارند تا اگر دشمن به هر صورت قصد نفوذ در سرزمین‌شان را کرد، آنها را

همان‌جا نابود کنند. بنابراین، نمی‌توان تنها به فکر مسلمانان ایران بود و مسلمان‌های دیگر کشورهای اسلامی مانند: عراق، افغانستان، مصر، اندونزی و... را فراموش کرد و به فکر آنها نبود.

روابط با کشورهای جهان اسلام یکسان نیست. امروز در سرزمین‌های پهناور اسلام، حکومت‌هایی با شکل‌ها و هویت‌های گوناگون بر سر کارند، ولی حکومت‌های واقعاً مستقل کم هستند و با کمال تأسف، بسیاری از این سرزمین‌ها، امروز در دست [حاکمانی] است که عامل بیگانه هستند. رابطه جمهوری اسلامی با این‌گونه کشورها بر مبنای رابطه با ملت‌ها خواهد بود، نه با دولت‌ها. بنابراین، جمهوری اسلامی نباید با [این] دولت‌ها رابطه سیاسی داشته باشد. بعضی دیگر از این حکومت‌ها تا این اندازه دست‌نشانده نیستند، ولی وابسته هستند و علاوه بر وابستگی، با مردمشان روابطی بسیار ارتجاعی دارند. رابطه ما با این‌گونه کشورها در حد قطع رابطه سیاسی نیست، ولی در مجامع بین‌المللی [و] در موضع‌گیری‌های سیاسی هرگز نباید با این‌گونه کشورها در یک مجموعه و در یک اردوگاه قرار بگیریم.

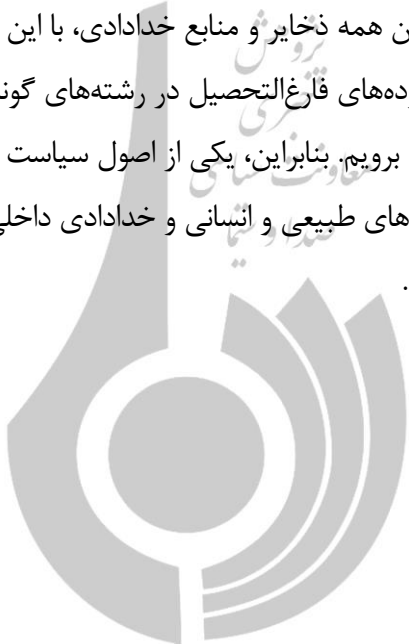
برخی کشورها هم هستند که پیشرفته‌تر از کشورهای یادشده هستند و نسبتاً مستقل‌تر عمل می‌کنند. باید با این کشورها، [هرچند] آن‌طور که ما می‌خواهیم مستقل هم نباشند، در صحنه سیاست بین‌المللی یک مجموعه نیرومند تشکیل دهیم؛ زیرا در این‌گونه مجامع و صحنه‌های بین‌المللی نمی‌شود تنها وارد شد. باید یار و یاور داشت و در این رابطه ما می‌توانیم از کشورهای اسلامی پیشرفته‌ای که وابستگی‌های سیاسی‌شان خیلی کم باشد، استفاده کنیم.

از نظر شهید بهشتی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر مبنای منزوی شدن و در لاک خود فرو رفتن نمی‌تواند باشد. سیاست ما باید به گونه‌ای باشد که بدانیم آن سوی مرزها، چه باید کرد و با مردم آن سوی مرزها، چگونه روابطی باید داشت. شهید بهشتی معتقد است ما از نظر روابط اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی باید در درجه

اول، نیازمندی‌های مان را درباره کشورهای تأمین کنیم که در روش آنها سلطه‌جویی و سلطه‌گری وجود ندارد. به علاوه سیاست خارجی ما باید بر پایه نفی همه وابستگی‌ها به ابرقدرت‌ها و متحدان آنها باشد.

■ شهید بهشتی و اقتصاد مقاومتی

از نظر شهید بهشتی ما از نظر روابط اقتصادی باید در درجه اول، نیازمندی‌هایمان را [از] کشورهای تأمین کنیم که در روش آنها سلطه‌جویی و سلطه‌گری وجود ندارد. در حال حاضر امریکا و عده‌ای از کشورهای اروپای غربی به پیروی از امریکا ما را محاصره اقتصادی کرده‌اند. حال برای اینکه ما دچار این وضع نباشیم، باید با کشورهای روابط اقتصادی داشته باشیم که تحت تأثیر ابرقدرت‌های شرق و غرب نباشند. سیاست خارجی ما باید بر پایه نفی وابستگی به ابرقدرت‌ها و متحدان آنها باشد. هرچه ما با [آنها] کمتر معامله داشته باشیم، وابستگی ما نیز به آنها کمتر خواهد بود. البته اساس این است که ما اصولاً [با] این همه ذخایر و منابع خدادادی، با این جمعیت با استعداد که خداوند در این سرزمین آفریده و با این همه تحصیل کرده‌های فارغ‌التحصیل در رشته‌های گوناگون علمی، مهندسی و غیرمهندسی، باید هرچه سریع‌تر، به سمت خودکفایی برویم. بنابراین، یکی از اصول سیاست خارجی ما این است که با تلاش پیگیر و با به کار گرفتن همه نیروها و استعدادهای طبیعی و انسانی و خدادادی داخلی، جمهوری اسلامی ایران را از هرگونه وابستگی اقتصادی به خارج بی‌نیاز کنیم.





■ نتیجه گیری

اندیشه منسجم و نگرش مدیریتی و اجرایی شهید دکتر بهشتی به لحاظ مسئولیت شان در پست‌های حساس نظام، در مقطعی از زمان که نهال نوپای انقلاب تازه در حال رشد بود، در سازماندهی نظام سیاسی جمهوری اسلامی بسیار مؤثر بوده است. شهید بهشتی علاوه بر آنکه دبیر کل حزب جمهوری اسلامی بود، از طرف امام به ریاست دیوان عالی کشور و شورای عالی قضایی منصوب شده و اکثر جلسات مجلس خبرگان برای قانون اساسی به ریاست وی تشکیل می‌شده است.

از دیدگاه امام خمینی (ره) مظلوم زیستن شهید بهشتی، بیش از شهادت ایشان متأثر کننده بود. این مظلومیت به سبب تهمت‌های ناروایی بود که دشمنان به او می‌زدند. امام بر این عقیده بود که دشمنان شهید بهشتی در تلاش بودند او را انسانی ستم کار و دیکتاتورمآب معرفی کنند؛ در حالی که چنین نبود.^۱ ایشان در جایی فرموده است: «شهید بهشتی مظلوم زیست و مظلوم مرد و خار در چشم دشمنان اسلام بود».^۲

^۱ - پیام امام به دفتر حزب جمهوری اسلامی، روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۱/۴/۱۰.

^۲ - صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۳.

بازخوانی تاریخ انقلاب اسلامی گویای سهم و نقش بالای شهید بهشتی در تثبیت و تحکیم پایه‌های انقلاب و جمهوری اسلامی بود هدفی که ایشان جان خویش را نیز فدای آن کرد. سازماندهی و هدایت راهپیمایی‌ها در سال‌های 56 و 57 همراه با مرحوم طالقانی و شهید مطهری، تدوین و طراحی بخش‌هایی از مبانی فکری انقلاب اسلامی و قانون اساسی، نخبه سازی و نیروپروری که ایشان از قبل از انقلاب اسلامی با تاسیس مدرسه دین و دانش در قم آنرا آغاز کرده بود؛ بازسازی دستگاه قضایی برای حرکت در مسیر انقلاب اسلامی، مواجهه شجاعانه با جریان لیبرالی و مارکسیستی که در ائتلافی شوم در صدد براندازی انقلاب بودند و نخست سراغ شهید بهشتی رفتند؛ تبیین و تشریح مبانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی و اقتصاد اسلامی بخشی از ابعاد تاثیرگذاری شخصیتی است که بسیاری از اوصاف نخبه سیاسی تراز انقلاب اسلامی را دارا بود.

